



مسابقه سراسری

برنامه

مدیریت روابط عمومی
ستاد اقامه نماز کشور با
مشارکت مرکز تخصصی نماز و
ستاد اقامه نماز استان فارس
برگزار می کند

به مناسبت

شهادت امام حسن عسکری (ع)
و نهم ربیع الاول، سالروز آغاز
امامت حضرت ولی عصر (عج)

قاری



ستاد اقامه نماز
مرکز تخصصی نماز



ستاد اقامه نماز
استان فارس



ستاد اقامه نماز
روابط عمومی و اطلاع رسانی

App.namazman.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محتوای مسابقه ویژه شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

و آغاز امامت امام زمان عجل الله

امام شهید انقلاب

امامی که موافقان، شیعیان، مخالفان، غیرمعتقدان، همه، شهادت دادند و اعتراف کردند به فضل او، به علم او، به تقوای او، به طهارت او، به عصمت او، به شجاعت او در مقابل دشمنان، به صبر و استقامت او در برابر سختی‌ها، این انسان بزرگ، این شخصیت باشکوه، وقتی به شهادت رسید، فقط بیست و هشت سال داشت. در تاریخ پرافتخار شیعه، این نمونه‌ها را کم نداریم. پدر امام زمان عزیز ما با آن همه فضیلت، با آن همه مقامات، با آن همه کرامات، وقتی با سم و جنایت دشمنان از دنیا رفت، فقط بیست و هشت سال داشت؛ این میشود الگو؛ جوان احساس میکند یک نمونه‌ی عالی در مقابل چشم دارد. آن امام بزرگوار، جوادالائمه (علیه السلام) است که در بیست و پنج سالگی شهید شده است؛ این امام عسکری (علیه الصلاة والسلام) است که در بیست و هشت سالگی به شهادت رسیده است؛ و این همه فضیلت، این همه مکرمات، این همه عظمت، که نه فقط ما به آنها قائلیم و مترنمیم، بلکه دشمنانشان، مخالفانشان، کسانی که اعتقاد به امامت آنها نداشتند، همه اعتراف کردند. بیانات در دیدار جمعی از مردم و خانواده شهدا و ایثارگران ۱۳۹۰/۱۲/۰۱

ابوهاشم جعفری (۱) می‌گوید:

روزی به حضور حضرت امام عسکری (علیه السلام) داخل شدم و مشاهده کردم آن حضرت مشغول نوشتن است در همین موقع وقت نماز داخل شد آن بزرگوار از کار نویسندگی دست کشیده و برای اقامه نماز به پا خواست من با شگفتی تمام دیدم که قلم بر روی کاغذ همچنان حرکت می‌کرد و می‌نوشت تا اینکه کار کتابت

کاغذ به پایان رسید من به شکرانه این کرامت به سجده افتادم و امام

از نماز برگشته و قلم را بدست گرفته و به مردم اجازه ورود داد. (۲)

لحظاتی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

عقید خادم می گوید: هنگامی که حضرت عسکری (علیه السلام) در بستر بیماری بود و واپسین لحظات حیات خویش را می گذرانید، مقداری داروی جوشانده خواست، ما آنرا آماده کرده و به محضرش آوردیم، امام متوجه شد که وقت نماز صبح رسیده است، فرمود: می خواهم نماز بخوانم، سجاده حضرت را در بسترش گسترديم، امام از خادمه ای که در آنجا حضور داشت آب وضو را گرفته و بعد از اینکه با آن آب وضوی کاملی را به جا آورد، آخرین نماز صبح را در همان بسترش خواند و لحظاتی بعد روح بلند آن حضرت به عالم بالا عروج نمود. (۳)

ویژگی های مومنین در کلام امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين و زیارة الأربعین و التختُّم فی الیمین و تعفیر الجبین و الجهر ب بسم الله الرحمن الرحیم؛ مؤمن (شیعه)، پنج علامت و نشانه دارد: اقامه نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشت در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم».

توضیح روایت

علامت اول: صلاة الخمسين

مراد از نماز پنجاه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه ۳۴ رکعت نمازهای نافله است که جبران کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است، نماز پنجاه و یک رکعت به شکل مذکور از مختصات شیعیان و ارمغان معراج رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

شاید ستر ستودن نماز به وصف معراج مؤمن این باشد که دستورش

از معراج آمده است و نیز انسان را به معراج می برد.

نکته: اهل سنت گرچه در عدد رکعات نمازهای فرائض پنج گانه با شیعه اتفاق دارند، ولی در میان سنی ها در عدد نوافل اختلاف است به صورتی که هیچ کدام از اقوال آنها پنجاه و یک رکعت نمی شود.

علامت دوم: زیارة الأربعین

مراد از زیارت اربعین، به سه دلیل زیارت چهل مؤمن نیست:

اولاً، این مسأله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الأربعین» نشان می دهد که مقصود امام عسکری علیه السلام اربعین معروف و معهود نزد مردم است و برای مردم، زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین شناخته شده بوده است؛ بر خلاف کلمه «اربعین» در بسیاری از روایات که بدون «الف و لام» آمده است؛ مانند این روایت امام صادق علیه السلام: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أَحَادِيثِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا، بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهًا؛ هر کس چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، خداوند او را در روز قیامت در حالی برمی انگیزاند که عالم فقیه است.»

ثانیاً، زیارت چهل مؤمن از علائم اسلام نزد عموم شیعه و سنی است و از کارهای اختصاص اهل ایمان نیست تا از دیگران با آن امتیاز یافته باشند و امام علیه السلام از علائم مؤمن شمارد.

اما زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین از اموری است که ایمان خالص بر اهل بیت علیهم السلام مؤمن را بر آن وادار کرده است و جای شک نیست آنهایی که در روز اربعین سیدالشهدا علیه السلام در سرزمین مقدس کربلا در کنار قبر آن حضرت برای زیارت اجتماع می کنند، شیعیان خاص و علاقمند به آن

بزرگوارند.

ثالثاً، علمای بزرگ شیعه امامیه، از حدیث شریف امام عسکری

علیه السلام، فقط زیارت اربعین سیدالشهدا علیه السلام استنباط کرده اند.

علامت سوم: التختهم فی الیمین

سومین علامت از علامت های مؤمن، انگشتر را به دست راست کردن است و عموم افراد شیعه امامیه بر این کار مواظبت دارند و ملتزم هستند و این آداب را از امامان معصوم علیهم السلام یاد گرفته اند.

جماعتی از اهل سنت در این عمل استحبابی؛ یعنی انگشتر را به دست راست کردن، با شیعه مخالفت ورزیده اند؛ چنان که در موارد بسیاری با این که خودشان اقرار دارند که سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و طریقه اسلامی آن است که شیعه به آنها عمل کرده اند، دوباره برای ضدیت و مخالفت با شیعه در آن موارد، برعکس سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل کرده و می کنند.

ابن حجر گفته است: مالک بن انس (یکی از امامان چهارگانه اهل سنت) مکروه داشته که به دست راست انگشتر کنند، بلکه باید به دست چپ باشد.

باجی از علمای مالکی ها مبالغه ورزیده در ترجیح دادن به قول مالک که انگشتر باید به دست چپ شود.

زمخشری در کتاب ربیع الأبرار گوید: اولین کسی که انگشتر به دست چپ کردن را شعار خود قرار داد و برخلاف سنت رفتار کرد، معاویه بود.

از آنچه نقل شد، معلوم می شود که انگشتر را به دست چپ کردن از آثار تبلیغات شوم و از افکار مذموم دوره بنی امیه است که در فکر وارونه کردن سنت های اسلامی و دستورهای نبوی بودند که آن چه از خاندان بنی هاشم بروز نموده، تمامی آنها را تغییر دهند و آشکارا برخلاف سنت ثابت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قدم بردارند و اسلام را به عنوان اسلام اموی معرفی کنند.

نکته: تمامی این حرف ها و مطالب از حکم به کراهت، استحباب،

ستت و بدعت که انتشار داده و با اقرار خودشان سنت را تبدیل به بدعت کرده اند و بدعت را به جهت مخالفت با شیعه رواج داده و بر آن عمل کرده اند؛ همه این داستان های بی ارزش، پدیده افکار امثال غزالی ها و ماوردی ها و قهستانی ها بوده و به قدر پیشیزی در نظر ما ارزش ندارد و به اقرار خودشان از ستت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) نبوده و بدعت هایی است که از خودشان تراشیده اند.

به عنوان مثال غزالی می گوید: برواعظ و غیرواعظ حرام است که «مقتل الحسین» را روایت و حکایت کنند.

قهستانی گفته است: اگر کسی اراده کند که مقتل امام حسین علیه السلام را بخواند و تاریخ شهادت آن حضرت را ذکر کند، سزاوار است که اول مقتل صحابه را بخواند تا به رافضی ها شباهت پیدا نکند.

منظورش آن است که شخصی که می خواهد مقتل و روضه امام حسین علیه السلام بخواند، اول باید مقتل عمر بن خطاب یا عثمان بن عفان را بخواند؛ در صورتی که عموم صحابه اجماع بر کفر او کردند و هشتصد صحابی در قتل او سهیم بودند، و پس از آن که او را کشتند، جنازه وی را به مزبله انداختند و سه روز در آنجا ماند و شبانه چند نفر مانند مروان بن حکم جنازه او را حمل کردند که دفن نمایند؛ قومی از بنی مازن فریاد زدند که هرگاه او را در مقبره دفن کرده باشید، فردا به مردم خبر خواهیم داد؛ به همین دلیل، جنازه را از آنجا برداشتند و به (حشّ کوکب؛ مکانی خارج از بقیع) بردند و او را دفن کردند؛ همان مکانی که یهودی ها اموات خودشان را در آنجا دفن می کردند.

علامت چهارم: تغفیر الجبین

(تغفیر) در لغت به معنای چیزی را بر خاک گذاشتن است؛ زیرا (عفر) در لغت به

معنای (تراب: خاک) است و اگر مراد از جبین در این حدیث (جبهه:

پیشانی) باشد؛ پس تعفیر الجبین؛ یعنی پیشانی را بر خاک گذاشتن.

نکات

۱. اهل سنت لازم نمی دانند که پیشانی را بر خاک بگذارند؛ چنان که ابوحنیفه و مالک و احمد بن حنبل گفته اند: جایز است در سجده، پیشانی را بر دور عمامه یا بر دامن لباس گذاشته شود و حتفی ها جایز می دانند پیشانی را بر کف دست بگذارند با کراهت و جایز می دانند برگندم و جو سجده کنند و نمازگزار پیشانی را بر تخت یا بر کمر کسی بگذارد که در جلوی او نماز می خواند. ...

۲. ظاهراً از زمان غیبت صغرای امام زمان حضرت ولی عصر ارواحنا فداه معمول شده که از تربت، لوح (مهر) درست کردند که تا حال مرسوم است؛ چون استفاده از خاک و حمل آن قدری مشکل شده از این رو مقداری از خاک کربلا را گل کرده و از آن این لوح ها (مهرها) درست کردند که در نگهداری و حمل آن آسان باشد.

شیخ جلیل القدر محمد بن عبدالله بن جعفر جمیری (در زمان غیبت صغری)، از امام عصر علیه السلام درباره درست کردن مهر از خاک قبر سؤال کرد، امام علیه السلام در پاسخش فرمود: «اشکالی ندارد و جائز است و فضیلت دارد.»

۳. مراد از خاک قبر در سؤال جمیری رحمه الله عبارت از خاک قبر مبارک سیدالشهدا علیه السلام است؛

چنان که قبل از این سؤال از تسبیحی که از تربت سید الشهدا علیه السلام درست می کنند، سؤال کرده که آیا در آن فضیلتی وجود دارد؟ امام در جواب فرمود: «شخص با آن تسبیح می کند و چیزی از تسبیح نیست که برتر از آن باشد و از فضل و برتری تسبیح تربت آن است که شخص تسبیح گفتن را فراموش می کند و تسبیح تربت را در دست می گرداند و برای او ثواب تسبیح گفتن نوشته می شود.»

علامت پنجم: والجهر بـ «بسم الله الرحمن الرحيم»

پنجمین علامت از علائم مومن که حدیث شریف بر آن تصریح فرموده، بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» است. شیعه امامیه بر حسب روایات وارده از اهل بیت عصمت علیهم السلام قائل هستند که در نمازهای واجبی که قرائت (سوره های حمد و توحید) در آنها بلند گفته می شود و از نمازهای جهریه (نمازهای صبح، مغرب و عشا) به حساب می آید، واجب است «بسم الله» بلند گفته شود و در این نمازهای اخفاتی (آهسته خواندن) بلند گفتن «بسم الله» مستحب است و در این عمل خودشان از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام پیروی کرده اند و از ضروریات مذهب است و در این مقام برای ما کفایت می کند آن چه را که فخرالدین رازی در کتاب تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) در این باره گفته است:

بیهقی در کتاب سنن کبیر از ابوهریره نقل می کند: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در نماز، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می گفت، سپس بیهقی بلند گفتن «بسم الله» را از عمر بن خطاب و ابن عباس و ابن عمر و ابن زبیر روایت کرده است و اما علی بن ابی طالب رضی الله عنه نیز «بسم الله» را بلند می گفت، پس به تحقیق این کار به تواتر ثابت است و هرکس در دین خود به علی بن ابی طالب اقتدی کند، پس حتماً هدایت می یابد و دلیل بر آن، سخن پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره حضرت علی علیه السلام که می فرماید: «خدایا حق را با علی بگردان به هر کجا که او بگردد.»

همچنین فخر رازی گوید: «قَالَتِ الشَّيْعَةُ: أَلَسْتُ هِيَ الْجَهْرُ بِالتَّسْمِيَةِ؛ سَوَاءُ كَانَتْ فِي الصَّلَاةِ الْجَهْرِيَّةِ أَوِ السَّرِّيَّةِ، وَجَمَاهُورُ الْفُقَهَاءِ يَخَالِفُونَهُمْ فِيهِ؛ شَيْعَةُ مِي گويد: سنت، همان بلند گفتن «بسم الله» است؛ چه در نماز جهری و چه در نماز اخفاتی و همه فقها در این موضوع با آنها مخالف هستند.»

وی در ادامه گوید: «الدَّلَائِلُ الْعَقْلِيَّةُ مُوَافِقَةٌ لَنَا وَعَمَلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

طالِب علیه السلام معنا و من اتخذ علیاً إماماً لدينه، فقد

استمستک بالعروة الوثقى فی دینِه و نفسِه؛ دلیل های عقلی با ما موافق است و عمل علی بن ابی طالب علیه السلام با ماست و هرکس علی را برای دینش به عنوان امام بگیرد، به تحقیق به ریسمان محکم الهی در دین خود چنگ زده است».

از این کلمات فخر رازی به طور روشن معلوم می شود که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین علیه السلام «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند می خواندند و شیعه نیز پیرو آن بزرگواران شده اند نه تابع فقهایی که از معاویه بن ابی سفیان اموی پیروی کرده اند؛ چنان که از کلمات خود فخر رازی استفاده می شود.

نماز در سیره حضرت مهدی علیه السلام

همانطور که قبلاً هم ذکر شد، نماز در زندگی و سیره امام زمان علیه السلام نیز مانند نیاکان و اسلاف طاهریانشان، از جایگاه و نقش ویژه ای برخوردار بوده و پیوسته مورد تأکید و توصیه ایشان قرار گرفته است، چنانچه با وجود غیبت های طولانی، بر اساس روایات و نقل قول های مختلفی که در این مورد از جانب نواب ایشان وارد شده، به نقش ویژه و جایگاه بسیار مهم نماز در حکومت جهانی امام زمان علیه السلام اشاره شده است:

نماز، اولین عبادت امام زمان، پس از ظهور

در روایتی از قول امام صادق علیه السلام چنین آمده که: «هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند، داخل مسجد الحرام شده و رو به سمت قبله و پشت به مقام ابراهیم علیه السلام، دو رکعت نماز می گزارد و سپس چنین می فرماید: «ای مردم! همانا من سزاوارترین مردم به حضرت آدم علیه السلام هستم، من سزاوارترین مردم به حضرت ابراهیم و اسماعیل و محمد صلی الله علیه و آله هستم. سپس به دعا و تضرع می پردازد.» (۴)

احیای نماز، یکی از مهمترین اهداف

حکومت امام زمان علیه السلام

حضرت علی علیه السلام، در روایتی اوضاع اعتقادی و دینی مردم در عصر آخر الزمان را نابسامان توصیف کرده و از مردمی که در آن جمع حاضر بودند، می‌خواهد که هر ابهام و پرسشی که دارند از ایشان بپرسند. (۵)

صعصعه بن صوحان (۶) از زمان خروج دجال سؤال می‌کند و امام علی علیه السلام برای خروج دجال نشانه‌هایی را ذکر می‌کنند که یکی از این نشانه‌ها این است که: «... فان علامه ذلك اذا امات الناس الصلاة و...» (۷) از این روایت، چنین برمی‌آید که در آخر الزمان، نماز، این فریضه‌ی مهم و با ارزش الهی جایگاه و نقش مهم و اساسی خود را در زمینه‌ی هدایت انسان‌ها و رسیدن به آرامش روحی و معنوی آن‌ها از دست می‌دهد.

با توجه به این مطلب، یکی از وظایف و مأموریت‌های بسیار مهم و اساسی امام زمان عجل الله فرجه بعد از دوران ظهور، به عنوان احیا کننده دین (۸) و اجرا کننده‌ی احکام الهی و سنت و شریعت نبوی، احیا و زنده کردن این فریضه‌ی الهی فراموش شده به عنوان رکن و اساس دین اسلام و مهمترین رکن از فروع دین، می‌باشد. چنانچه در روایتی چنین آمده است که: زید بن علی بن حسین علیهم السلام می‌گوید: «زمانی که قائم آل محمد صلوات الله علیه، ظهور کند خطاب به مردم چنین می‌فرماید: «ایها الناس نحن الذین الله تعالی فی کتابه: «الذین ان مکنهم فی الأرض اقاموا الصلاة و آتوا الزکاة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله العاقبه الامور» (۹)؛ ای مردم! ما همان کسانی هستیم که خداوند در قرآن کریم وعده آمدن آنها را داده و در وصف آنها چنین فرموده است: همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت ببخشیم، نماز را بر پای می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها برای خداوند است. (۱۰)

اقتدای حضرت عیسی به امام زمان

و برپایی نماز جماعت

از پیامبر اکرم صلی الله علیه، چنین نقل شده است که فرمودند: «هنگامی که قائم آل محمد عجل الله علیه ظهور کند، مردم آماده ی برپایی نماز جماعت به امامت حضرت صاحب الزمان علیه السلام می شوند در حالی که در آن روز حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان به زمین می آید و آن چنان با شتاب و تعجیل می رسد و عرق کرده است که گویا از گیسوانش عرق جاری است، در این هنگام حضرت صاحب الزمان علیه السلام خطاب به عیسی بن مریم می فرماید: «تقدم و صلّ بالناس»؛ بفرمایید و امام جماعت شوید.» حضرت عیسی در پاسخ می فرمایند: این جماعت به خاطر شما بر پا شده است که شما امام باشید و ما مأموم تو باشیم.» (۱۱)

به تاخیر انداختن نماز در بیان امام زمان علیه السلام

مرحوم کلینی و شیخ طوسی و طبرسی از زهری نقل کرده اند که گفت: مدتها در طلب حضرت مهدی (علیه السلام) بودم و در این راه اموال فراوانی (در راه خدا) خرج کردم ولی به هدف خود نرسیدم تا اینکه به خدمت «محمد بن عثمان»، (دومین نایب خاص امام زمان در عصر غیبت صغرا که به سال ۳۰۵ هجری از دنیا رفت) رسیدم.

مدتی در خدمت او بودم تا روزی از او خواش کردم که مرا به خدمت امام زمان (علیه السلام) ببرد، اما او پاسخ منفی داد، ولی من بسیار تضرع کردم تا اینکه سرانجام به من لطف کرد و فرمود: فردا اول وقت بیا، وقتی فردای آن روز، اول وقت به خدمت او رفتم، دیدم همراه جوانی خوش سیما و خوشبو می آید، به من اشاره کرد که این است آن کس که در طلبش هستی.

به خدمت امام زمان (علیه السلام) رفتم و آنچه

سؤال مطرح کردم، پاسخ مرا فرمود، تا اینکه به خانه ای رسیدیم و داخل خانه شد و دیگر او را ندیدم.

در این ملاقات دو بار به من فرمود: «از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را تأخیر بیندازد تا ستاره ها دیده نشوند و نماز مغرب را تأخیر بیندازد تا ستاره ها دیده شوند». (داستانهای صاحب‌دلان، ج ۱، ص ۱۳۱)

اهمیت اقامه نماز در وقت مناسب

در روایتی منسوب به امام زمان (عج) آمده است:

«از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را تأخیر بیندازد تا ستاره ها دیده نشوند و نماز مغرب را تأخیر بیندازد تا ستاره ها دیده شوند.»

این روایت، تنها درباره یک زمان مشخص برای نماز سخن نمی‌گوید؛ بلکه به یک اصل مهم در تربیت دینی اشاره دارد و آن اهمیت توجه به وقت نماز است خداوند در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا»؛ یعنی نماز بر مؤمنان، در زمان‌های مشخص و معین واجب شده است. (نساء، ۱۰۳) بنابراین نماز فقط عملی نیست که هر زمان فرصت داشتیم آن را انجام دهیم؛ بلکه ارتباطی است که باید در زمان خودش با خدا برقرار شود.

تعبیر روایت درباره نماز صبح و مغرب نیز قابل توجه است نماز صبح در زمانی قرار گرفته که انسان از خواب بیدار می‌شود و روز خود را آغاز می‌کند از نظر علمی، بدن انسان دارای ریتم شبانه‌روزی است؛ یعنی بسیاری از فعالیت‌های جسم و ذهن با چرخه روشنایی و تاریکی تنظیم می‌شوند نور صبح یکی از مهم‌ترین عوامل تنظیم این چرخه است قرار گرفتن در معرض نور صبحگاهی به تنظیم ساعت زیستی

بدن کمک می‌کند و می‌تواند در تنظیم خواب و بیداری مؤثر باشد

بنابراین بیدار شدن در آغاز روز و قرار گرفتن در فضای صبحگاهی،

با نظم طبیعی بدن نیز ارتباط دارد.

از طرف دیگر، نماز مغرب در فاصله کوتاهی پس از غروب قرار دارد؛ یعنی زمانی که روز در حال پایان یافتن و تاریکی شب در حال آغاز شدن است روایت تأکید می‌کند که نماز مغرب را آن قدر عقب نیندازیم که ستاره‌ها ظاهر شوند این نکته علاوه بر جنبه عبادی، یک پیام تربیتی مهم دارد: نماز نباید در فهرست کارهای روزانه ما به آخرین اولویت تبدیل شود اگر نماز را مرتباً به تأخیر بیندازیم، به تدریج ذهن ما یاد می‌گیرد که کارهای دیگر مهم‌تر از ارتباط با خدا هستند.

قرآن نیز درباره مراقبت از نماز می‌فرماید:

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ»؛ «بر نمازها مراقبت کنید.» (بقره، ۲۳۸)

کلمه «حافظوا» فقط به معنای خواندن نماز نیست؛ بلکه مفهوم مراقبت و اهمیت دادن را نیز در خود دارد. کسی که مراقب نماز است، برای وقت نماز برنامه دارد، آن را به تأخیر نمی‌اندازد و اجازه نمی‌دهد مشغله‌های روزانه جای نماز را بگیرند.

از این نگاه، روایت امام زمان (عج) می‌تواند یک معیار برای سبک زندگی مؤمنانه باشد: همان‌طور که برای کار، مدرسه، جلسه و قرارهای مهم وقت تعیین می‌کنیم، برای ملاقات با خدا نیز باید وقت‌شناس باشیم نماز اول وقت در حقیقت تمرینی است برای اینکه انسان خدا را در میان همه برنامه‌های زندگی فراموش نکند.

بنابراین پیام اصلی روایت را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: نماز فقط انجام دادن یک تکلیف نیست؛ رعایت زمان نماز، نشانه اهمیت دادن به رابطه انسان با خداست کسی که نماز را در وقت مناسب جدی می‌گیرد، در واقع به خودش

یادآوری می‌کند که در میان همه کارهای دنیا، خداوند و ارتباط با او

منابع:

۱. رجال نجاشی، ص ۱۵۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۸۵ و ج ۸، ص ۱۲۲؛ شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۳۸.
۲. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۰۴..
۳. کمال الدین، ص ۴۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۱
۴. ان القائم اذا دخل المسجد الحرام فيستقبل القبلة و يجعل ظهره الى المقام ثم يصلى ركعتين ثم يقول: ايها الناس! انا اولى بادم، انا اولى الناس بابراهيم، انا اولى باسماعيل، انا اولى الناس بمحمد. و يدعو و يتضرع: «على حائری یزدی، الزام الناصب، ص ۲۶
۵. عن نزال بن سمره قال خطبنا على بن ابي طالب (ع) فحمد الله و اثنى عليه ، ثم قال: ايها الناس سلوني قبل ان تفقدوني- ثلاثا ...» بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲
۶. صعصعة بن صوحان از یاران امام علی علیه السلام بود که در جنگ های جمل، صفین و نهروان شرکت کرد. صعصعه در سخنوری مهارت داشت و از این مهارت در دفاع از امیر المؤمنین و انتقاد به معاویه استفاده می‌کرد. امام علی علیه السلام، صعصعه را از اصحاب بزرگ خود معرفی کرده است.
۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳
۸. چنان که در دعای ندبه می خوانیم: «این محیی معالم الدین و اهله» ...
۹. سوره حج، آیه ۴۱
۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳، ج ۱۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۲۶۷، ج ۱۶۹۲
۱۱. شیخ حر عاملی، اثباه الهداه، ج ۵، ص ۲۴۷؛ یزدی حائری، علی، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۵